

برای عینیت و رسمیت بخشیدن به داروخانه‌های زنجیره‌ای و حذف محدودیت‌های جمعیتی و جغرافیایی از ضوابط تأسیس داروخانه تنها بخشی از چالش‌هایی بوده که در مقاطع زمانی مختلف جامعه داروسازی را درگیر و گرفتار خود ساخته است. اگر کمی ریزبینانه‌تر به روزشمار چالش‌های مذکور بنگریم کاملاً هویدا است که تحمیل چالش‌ها در سالیان اخیر نسبت به پیش از آن، فزونی چشمگیری داشته است. نگاهی به گذشته‌های نه‌چندان دور و بررسی سوابق مطالبات صنفی و واکاوی دلایل توفیق بیشتر در پیشبرد اهداف و خواسته‌ها می‌تواند برای جامعه داروسازی در مواجهه با چالش‌های پیش رو کمک‌کننده باشد.

در حدود پانزده سال پیش زمزمه‌های صدور مجوز تأسیس داروخانه برای غیر داروسازان در مناطق محروم بالا گرفت و البته، این طرح

■ وحدت و همگرایی، حلقه مفقوده جامعه داروسازی

دکتر سالارمند از داروسازان صاحب‌اندیشه است که گاهی از نوشته‌های ایشان در ماهنامه دارویی رازی سود می‌بریم.

«... جامعه داروسازی کشور سال‌ها است که با مشکلات و چالش‌های صنفی عدیده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کند. به‌طور خاص، اگر نگاهی اجمالی به تاریخ پانزده سال اخیر داروسازی کشور داشته باشیم، کمتر برهه‌ای از زمان را می‌توان یافت که در آن آرامش و سکون بر این جامعه حکمفرما بوده باشد. از زمزمه‌های واگذاری حق تأسیس داروخانه به غیر داروسازان در مناطق محروم و تغییرات مکرر ضوابط و آیین‌نامه‌ها، تا زیرسؤال بردن همه ساله تعرفه آرایه خدمات دارویی و تلاش برای حذف آن، تلاش‌های هر از چندگاه

حمایت‌های معاونت غذا و دارو وزارت بهداشت در آن زمان را هم به همراه خود داشت. هم‌زمان با مطرح شدن این پیشنهاد در محافل عمومی و انتشار مکاتبات مربوط به آن، اعتراضات صنفی در کل بدنه داروسازی کشور فراگیر شد. اعتراضات به حدی فراگیر شد که تعدادی از دانشکده‌های داروسازی کشور به علت عدم حضور دانشجویان در اعتراض به تصمیم مذکور، به تعطیلی کشانده شد. نتیجه کاملاً مشخص بود. پس از چند روز اعتراض فراگیر توسط داروسازان و دانشجویان، موضوع مسکوت و در نهایت، متوقف گردید.

در سال‌های بعد از آن نیز در مواردی مانند لغو حق فنی توسط دیوان عدالت اداری و مطرح شدن موضوع تأسیس داروخانه‌های زنجیره‌ای، نظر واحد قاطبه جامعه داروسازی کشور و یکپارچگی در بیان خواسته‌ها موجب شد شرایط آن گونه که داروسازان انتظار داشتند، پیش رود. البته در این بین تشکل‌های صنفی در وحدت بخشیدن و سازماندهی به آحاد مختلف جامعه داروسازی نقشی بی‌بدیل و انکارناشدنی داشته‌اند.

متأسفانه، در سال‌های اخیر تعداد و تناوب ایجاد چالش‌ها فزونی قابل توجهی گرفته است و شوربختانه بر خلاف سالیان نه‌چندان دور، جامعه داروسازی در عبور از چالش‌های تحمیلی چندان موفق عمل نکرده است. اگر بخواهیم عوامل این عدم توفیق را دسته‌بندی کنیم، ترسیم مرزبندی و ایجاد تفرقه میان آحاد مختلف جامعه داروسازی در جایگاه نخست قرار می‌گیرد. شکی وجود ندارد

که در هر جامعه‌ای سلاطین، ایده‌ها، خواسته‌ها و مطلوب‌های متفاوتی وجود دارد. تجارب جوامع مختلف نشان می‌دهد اگر گروه‌های مختلف بدون در نظر گرفتن منافع و مصالح جمعی تنها در راستای عملی ساختن خواسته‌ها و مطالبات خویش حرکت نمایند دیری نخواهد پایید که نه تنها هیچ گروهی در دستیابی به اهدافش توفیقی به دست نخواهد آورد بلکه شیرازه کل جامعه از هم خواهد گسست. به عبارت بهتر، مدارای اجتماعی که در حقیقت همان پرهیز از فردگرایی و اولویت دادن منافع جمعی بر منافع فردی است تنها ضامن بقای یک جامعه است. اکثر اندیشمندان علوم اجتماعی همیشه معتقد به مدارای اجتماعی هستند و آن را برای بقای یک جامعه ضروری می‌دانند.

با این وصف می‌توان گفت اگر مدیریت یک جامعه (در این جا جامعه داروسازی) در انحصار گروه خاصی نباشد و منابع جامعه به اشتراک همه گروه‌ها و افراد باشد، می‌توان امیدوار بود تمامی گروه‌ها منافع جمعی را بر منافع فردی ارجح بدانند. به عبارت دیگر، در شرایط عدالت اجتماعی، همه افراد و گروه‌ها باید در اصول، ارزش‌ها و هنجارهای عام که منافع همه آنان را در بر می‌گیرد با یکدیگر همکاری نموده و در جزییات امور با یکدیگر به مدارا رفتار کنند. در عین حال که هر فرد یا گروه این امکان را داشته باشد تا در عرصه خاص‌تر که با منافع گروه‌های دیگر در تضاد قرار نمی‌گیرد، آزادی اندیشه و عمل داشته باشد و گروه‌های دیگر این حق را برای او محترم شمارند...»